

10-4-1971

Kārawān, 1350-07-12, 1971-10-04

Abdul Haq Waleh

Ṣabahuddiñ Kushkakī

Follow this and additional works at: <https://digitalcommons.unomaha.edu/karawan>



Part of the [Asian History Commons](#)

Please take our feedback survey at: https://unomaha.az1.qualtrics.com/jfe/form/SV_8cchtFmpDyGfBLE

Recommended Citation

Waleh, Abdul Haq and Kushkakī, Ṣabahuddiñ, "Kārawān, 1350-07-12, 1971-10-04" (1971). *Kārawān*. 963.
<https://digitalcommons.unomaha.edu/karawan/963>

This Book is brought to you for free and open access by the Digitized Newspaper Archives at DigitalCommons@UNO. It has been accepted for inclusion in Kārawān by an authorized administrator of DigitalCommons@UNO. For more information, please contact unodigitalcommons@unomaha.edu.



کاروان

اسپیرین بایر
در رفع سردرد و میگرن و دردهای سایر اسپیرین
فوری است
۱۰۰ میلی‌گرمی سونی‌تاده‌بیست
فون ۲۳۷۰

اگر به فکر فرادا هستید در پستی تجاری بانک به افتتاح حساب پس انداز مبادرت ورزید.

تلفون ۲۵۰۷۳ - ۲۵۰۷۴

دوشنبه دهمین ۱۲ - ۱۳۵۰ شعبان المعظم ۱۴ - ۱۳۱۹ داکتوبر ۴ - ۱۹۷۱

نظری بکتاب «تاریخ روابط سیاسی افغانستان از زمان امیر عبدالرحمن خان تا استقلال»

اما بصراحت باید گفت که اداره امور خارجی افغانستان نزد انگلیس ها بود در خود همین کتاب در صفحه ۲۲۶ در ماده اول متن نامه لیبیل گیریفن به سر دار عبدالرحمن خان (۱۴ جون ۱۸۸۰) چنین نقل شده است: اول اینکه در مورد روابط بطوالتی کابل با دول خارجه ارقام میشود چون سر کار بریتانیه قبول ندارد که دول خارجه در افغانستان دخالت کنند و چون روسیه و ایران عهد نموده اند که از مداخلت در معاملات افغانستان احتراز ورزند لذا واضح است که والی کابل سواي دولت بریتانیه به دیگر دول خارجه هیچ روابطی دولتی نمیتواند نگه دارد....

چون افغانستان فاقد استقلال بود و امور سیاسی آن تحت اداره انگلستان بود لذا این گونه استدلال اغفال کننده است.
۷ - در صفحه ۶۶ تحریر شده است: (مبلغ سی هزار کابلی برسم ضیافت به او داده شد) حقیقت این است که مهباندار ی مصر فسی را بسرای میزبان ایجاب میکند ازین جمله چنین بر می آید که پول را امیر داد و هیئت نان را از خود خورد ولی باید گفته شود که برای دن کسی پول نقد نداده است. درین مورد هیئت عضو انجمن شاهی جغرافیا یی انگلستان در کتاب خود بنام افغانستان نوشته است: (.... دان تحایفی را که برای امیر آورده بود بوی تقدیم کرد و در جمله تحایف یک موتر تیز رفتار شامل بود که هفتصد پوند سترلینگ ارزش داشت و علاوه بر این برای دلچسپی حرمسرای امیر حکومت هند انگلستان یک پایه سینما یا شخص فنی آن فرستاده بود و غیر ازین در زمره تحایف کابله والاحضرت شان تقدیم داشته ساعت طلا و دکمه های آستین طلا نیز شامل بود و امیر یک جوهره دکمه آستین طلا را برای دن تحفه گویا تقدیم داشته بود.... صفحه ۳۲۸ کتاب هملتن ترجمه روسی سال ۱۹۰۸ سن پتر بورگ.)
درین کتاب هملتن در باره مذاکرات امیر حبیب الله خان و دن معلومات مفصل داده است. وی میگوید که انگلستان ازین مذاکرات سودی نه برده بلکه بجای کلمات والا حضرت (و غیره) کلمات «پادشاه مستقل افغانستان» و «اعلیحضرت» رسمیت یافت.

پودگورنی مصروف مذاکره در هانوی میباشد

هانوی - ۱۲ میزان
نیکولای پودگورنی صدراعظم هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی در رأس یک هیئت حزبی و حکومتی آنکشور که شامل مامورین نظامی و متخصصین اقتصادی است اکنون در هانوی است.
روزنامه نان دان چاپ هانوی در سر مقاله ای که به مناسبت مسافرت هیئت شوروی به ویتنام شمالی نوشته از کمک های شوروی اظهار تشکر کرده است.
بعضی از منابع غربی سفر پودگورنی را بحیث سعی برای افزایش نفوذ مسکو در هند چین تلقی میکنند.
این منابع تبصره میکنند ویتنام شمالی بعد از اعلام رئیس جمهور نکسن برای سفر به پیکنگ نگران شده که مبادا منافع اش دستخوش کدام خطر شود یعنی وضع طوری به نفع اتحاد شوروی تغییر کرده که کریملین اکنون در صدد بهره برداری از آن است.
طی دو سال گذشته این نخستین هیئت عالیرتبه اتحاد شوروی است که از ویتنام شمالی بازدید میکند.
در عین حال الکسی کسینگین صدراعظم اتحاد شوروی امروز به مسافرت رسمی به الجزایر آغاز میکند.

در انتخابات ویتنام جنوبی وان تیو ۷۴ فی صد آرا را بدست آورده است

از نتایج اولیه انتخابات ویتنام جنوبی برای احراز کرسی ریاست جمهوری برمی آید که اکثریت مردم بظرفداری یگانه کاندید این مقام یعنی وان تیو رای داده اند.
درین انتخابات که تیو رئیس جمهور ویتنام جنوبی یگانه کاندید آن بود ۹۰ فیصد اشخاص واجد شرایط رای دهی اشتراک نمودند.
طوریکه معلوم شده هفتاد و چهار فیصد آراء بظرفداری از وان تیو بوده است.

تصحیح

در اعلان دیروز در صفحه ۵ مربوط به مکتوب حکومت پاکستان عنوانی سر منشی ملل متحد سلطان محمدخان سبواجیت وزیر خارجه پاکستان نوشته شده لطفاً به معین خارجه تصحیح شود.
همچنین در زمره کشورهایی که به افغانستان برای رفع قلت غله و علوفه کمک کرده و خبر آن در شماره پریروز نشر گردیده مقدار کمک کوریای جنوبی ۲۰۰۰ دالر و از کوریای شمالی ۵۰۰۰ دالر بوده است.

خلاصه اخبار مهم خارجی

طبق اطلاع رادیوی انگلستان و آژانس خبر رسانی رویتر تصادم بین قوای «گریلی» و عساکر حکومتی ایران صورت گرفته است.
خبر مهم در باره این تصادم که از طرف این دو منبع نشر گردیده تذکر نداده که این تصادم در کدام منطقه ایران صورت گرفته یا قوای گریلی مرکب از چه نوع مردم بوده است.
انور السادات رئیس جمهوریت عربی مصر در خلال یک هفته دیگر از اتحاد شوروی دیدن خواهد کرد.
جنرال صادق وزیر دفاع مصر درین سفر باسادات همراه خواهد بود.
امسال این دومین مسافرت سادات از اتحاد شوروی خواهد بود.

برای متقاعدین مندوی جدید افتتاح شد

آرد فی سیر ۵۸ - افغانی عرضه میشود

تعداد متقاعدین به ۶۰۰۰ بالا رفته است
یک منبع دیگر گفت: امسال به تناسبت سال گذشته یکتعداد زیاد مامورین به عنوان متقاعد معرفی شده و تعداد آنها از ششسزار بالا رفته است.
یک منبع دیگر گفت: فعلاً تفاوت آردیکه به اسامس کو پون به مامورین داده میشود به پنجصد ملیون افغانی میرسد و دولت مکلف به تادیه آن می باشد.
هشتاد ملیون افغانی کسر دارد.
یک منبع دیگر گفت: متقاعد ولایتی یاد میشوند.
منبع گفت: دارای خزینه متقاعدین را که نبود بلکه قسمی در بانکها و موسسات تولیدی بطور سهم گذاشته شده است، اما جز در افغانستان بانک که همه ساله شش فیصد مفاد تادیه میکنند، متباقی موسسات تا امروز مفادی از پول خزینه تقاعد نه پرداخته اند و از این سبب عواید آن هشتاد و هشتاد ملیون افغانی کسر دارد.
یک منبع دیگر گفت: متقاعد ولایتی یاد میشوند.
منبع گفت: دارای خزینه متقاعدین را که نبود بلکه قسمی در بانکها و موسسات تولیدی بطور سهم گذاشته شده است، اما جز در افغانستان بانک که همه ساله شش فیصد مفاد تادیه میکنند، متباقی موسسات تا امروز مفادی از پول خزینه تقاعد نه پرداخته اند و از این سبب عواید آن هشتاد و هشتاد ملیون افغانی کسر دارد.
یک منبع دیگر گفت: متقاعد ولایتی یاد میشوند.
منبع گفت: دارای خزینه متقاعدین را که نبود بلکه قسمی در بانکها و موسسات تولیدی بطور سهم گذاشته شده است، اما جز در افغانستان بانک که همه ساله شش فیصد مفاد تادیه میکنند، متباقی موسسات تا امروز مفادی از پول خزینه تقاعد نه پرداخته اند و از این سبب عواید آن هشتاد و هشتاد ملیون افغانی کسر دارد.

غرفه افغانستان در نمایشگاه برلین غربی توجه زیاد تجار را جلب کرد



اشتراک کنندگان غرفه افغانستان در نهمین نمایشگاه اموال صادرا تی کشور های ماورای بحار که از ۲۸ سنبله تا ۴ میزان در شهر برلین غربی دایر گردیده بود آرد های زیادی را برای خریداری اموال شان بدست آورده اند.

یک نشریه مربوط به این نمایشگاه حاکیست که این بار پنجم است که افغانستان درین نمایشگاه حصه گرفته در نوبت اخیر ۱۵ موسسه از طریق وزارت تجارت افغانستان در غرفه افغانستان امتعه شانرا به معرض نمایش گذاشته بودند.
سیزده کشور آسیایی و مجموعاً ۵۰ کشور آسیایی، آفریقایی و امریکای لاتین درین نمایشگاه حصه گرفته بودند.
اکثر آرد ها برای امتعه افغانی از تجار آلمان و برلین غربی بوده در جمله پوستینچه، انواع موزه ها، سلیمیر کلاه و تفنگک، شمشیر و صندوقچه باب انشیک شامل بوده است.
همچنین آرد های برای خریداری قالین، بسته و جواهرات کوچی داده شده است.
نشریه حاکیست که از جریانات برمی آمد که اگر افغانستان مساعی بیشتری را در قسمت بلند بردن کیفیت پیداوار خود و فعالیت های مزید در بازار های بین المللی بخرچ دهد سطح صادرات آن به جمهوریت اتحادی آلمان هنوز هم بالا خواهد رفت.
این عکس که یک منظره غرفه افغانستان را نشان می دهد تو سط اداره تبلیغات نمایشگاه برلین غربی بروز نامه کاروان فرستاده شده است.

در قاهره شب نامه های علیه اتحاد شوروی توزیع شده

در جاده های شهر قاهره شب نامه هایی پخش گردیده که از موجودیت شورویها در مصر انتقاد مینماید.
این شب نامه ها که به تعداد محدود و به لسان انگلیسی انتشار یافته حاکیست که عقد پیمان اخیر مصر و شوروی، مصر را برای پانزده سال اسیر و زبون شوروی ساخته است.
این اوراق در خارج از مصر نیز توزیع گردیده است مقامات دولتی جمهوریت عربی مصر نگارش این شب نامه ها را کار جاسوسان اسرائیل میدانند.

یک منبع دیگر گفت: متقاعد ولایتی یاد میشوند.
منبع گفت: دارای خزینه متقاعدین را که نبود بلکه قسمی در بانکها و موسسات تولیدی بطور سهم گذاشته شده است، اما جز در افغانستان بانک که همه ساله شش فیصد مفاد تادیه میکنند، متباقی موسسات تا امروز مفادی از پول خزینه تقاعد نه پرداخته اند و از این سبب عواید آن هشتاد و هشتاد ملیون افغانی کسر دارد.
یک منبع دیگر گفت: متقاعد ولایتی یاد میشوند.
منبع گفت: دارای خزینه متقاعدین را که نبود بلکه قسمی در بانکها و موسسات تولیدی بطور سهم گذاشته شده است، اما جز در افغانستان بانک که همه ساله شش فیصد مفاد تادیه میکنند، متباقی موسسات تا امروز مفادی از پول خزینه تقاعد نه پرداخته اند و از این سبب عواید آن هشتاد و هشتاد ملیون افغانی کسر دارد.
یک منبع دیگر گفت: متقاعد ولایتی یاد میشوند.
منبع گفت: دارای خزینه متقاعدین را که نبود بلکه قسمی در بانکها و موسسات تولیدی بطور سهم گذاشته شده است، اما جز در افغانستان بانک که همه ساله شش فیصد مفاد تادیه میکنند، متباقی موسسات تا امروز مفادی از پول خزینه تقاعد نه پرداخته اند و از این سبب عواید آن هشتاد و هشتاد ملیون افغانی کسر دارد.

در حال حاضر به مقصد رفع مشکلات متقاعدین هدایت داده شده تا به هر قدر چهار سیر آرد عرضه گردد، از منبع پرسیده شد که چرا آرد به نرخ آرد کو پون مامورین برای متقاعدین فروخته نمیشود؟ وی در جواب گفت: قیمت آردی که مامورین اخذ میکنند با قیمت آردی که ریاست تهیه آرد از طریق وزارت اقتصاد و امور مصرفی در واقعیت فرق ندارد، زیرا تفاوت قیمت آرد کو پون مامورین را دولت میسر دازد.
یک منبع موقت وزارت مالیه گفت: عملاً شش هزار مامور متقاعد نظامی و ملکی وجود دارد که از این جمله ۵۶۶۵ نفر در ولایت کابل بسر میبرند و بزرگه متقاعدین هم در بنجمله شامل شده اند.

میرزنده آشیانه خورا آبو میکند
انسان با صرف جونی پس انداز برای آینده خویش بین میشود.

حساب پس انداز بهترین تضمین آینده ثبات است.
مناو حساب پس انداز از آموایات بر عایدات معاف است.

بانک ملی افغان
از شما و در خدمت شما

مکتوب وارده

درباره تقویه قوای نظامی ایران

تیمای علی مدیر!

روز نامه کاروان در شماره ۲۸ اسد خود زیر عنوان «امریه انگلستان قوای نظامی ایران را با یک میلیارد دالر توسعه می دهد» شرحی را باطالع خوانندگان رسانید یقین دارم این نوشته پر حوصله مردم این سر زمین را تکان داد. ولی با وصف آن مقامات به این ملت همسایه شرقی ایران در این مورد نه گفت. اکنون همه میدانند در حقیقت نشریه کاروان برای مردم ما خطر بود، زیرا دولت همسایه غربی ما که با یک میلیارد دالر قدرت خود را به همکاری دو دولت معظم تقویه و توسعه میدهد تنها به دفاع از مملکت خود به این اقدام مبادرت نور زیده بلکه روی غر انسانی به آنچه دارد قناعت نداشته به توسعه جوی میباید خواهد ورزید که این ادعا را کتاب انقلاب سفید و نشریات رادیو و مجلات ایرانی تأیید مینماید.

به لطف خداوند (ج) همه افراد این سرزمین احساس وطن پرستی در مورد افغانستان داشته و دارند. نشریات جراید ملی مادر مقابله نشریات متجاوزانه مطبوعات شاهه آنست. وقتیکه روز نامه کاروان موضوع توسعه قوای نظامی ایران را باطالع مردم رسانید خواست خطر بزرگتر از ادعا های مطبوعات ایران را روشن سازد. بدیهیست کاروان وظیفه خود را قسمت انجام داد و اگر این کار را نمی کرد یک خطر بزرگ را از مردم نموده مثل مطبوعات حکومتی این ملت را غافل میکشاد. ملت از بداران خود آموخته اند که توسعه قوای نظامی دیگران روحیه وطن پرستی و حفظ نوامیس ملی شان را تضعیف نساخته و نمی سازد مگر با قوای مجهز و مسلح انگلیس مویب این مدعاست. ما هم با منسوب به هر طبقه ای که هستیم با اتفاق برای مقابله خود را آماده واضح است ملتی که از جزئیات موضوع آگاه نباشد و اولیای هم مردم را در جریان نگذارد برآستی همه دست زیر الاشه خواهند شد.



خریدار: اگر به کیلو میدهی خوبورنه من به این سنگهای اعتبار ندارم.
فروشنده: ای کیلو میلو یسه کی کشیده؟
- ماده پیشما هر کاره به سه سنگ فیصله میکشیم.

نویسنده ملام. ن

مشکل عمده افغانستان مشکل اداریست

مردم ما امروز بخود حق می

بپرسند آنانیکه قبل از نشریه در روز نامه کاروان در زمینها داشته اند چه کردند؟ نمایندگی سیاسی که ما با صرف میلیون ها دالر می شود بکدام تاریخ مردم را باطالع حکومت رسانیدند؟ اگر نمایندگی های مسئول نتواند این اطلاع را زود تر بدهند مقابل بیگفایتی شان چه اقدام شده است؟ شورا دزین قسمت حکومت چه سوال کرده؟ و کلا موکلین خود درین قسمت چه گفته کسانیکه در موضوع وارد بودند چراملت را بیدار نساختند؟ چرا براید عوض اینکه متوجه نوشت مضمون متجاوزانه شونید در موضوع مهمتر از آن یعنی تقویه قوای نظامی ایران توضیح نخواستند معلومات نگرفتند؟ به این سوالات باید جواب داد فهمیده شود مادست به نشسته ایم یاخیر؟

ما نمی گوئیم که در مقابل تقویه قوای نظامی ایران ما هم با قور کمر شکن قوای خود را تقویه کنیم قوای نظامی ما کافی تقویه شده تنظیم و تمرین و آمادگی بیشتر خواهد. مردم مایه اتحاد و اتحاد بیشتر احتیاج دارند و باید در وقت اختلافات ذات البینی رافراد برای هر بست وضع شده است. وقتی شخصی در اداره ای مقرر شد، برای لاقول یک هفته از طرف آمر شعبه به وظیفه جدیدش آشنا ساخته میشود همچنان مقررات وضع شده برایش سپرده میشود درین مقررات صلاحیت مسئولیت، مکافات، مجازات و غیره مسایل مربوط به وظیفه آن مامور ذکر شده به مامور خاطر نشان میگردد که چه توقع داشته باشد و چطور وظایف خود را اجرا کند.

در اثر سقوط طیاره انگلیسی ۱۶ نفر هلاک شد لندن - ۱۱ میزان در اثر سقوط یک طیاره انگلیسی در بلژیک تمام ۶۳ سرنشین آن طیاره تلف شده اند طیاره از لندن سالتزبورگ بود. بعضی راپور ها حاکیست که طیاره در وسط هوا متلاطم گردید. تحقیق در باره علت سقوط این طیاره آغاز شده است.

خوابد کردید. مگر به اساس بر نسیب های اداری، یک مامور هر قدر صادق باشد از عهد کاراداری بر آمده نخواهد توانست زیرا امور ادارات تنها با داشتن صداقت اجرا نگردیده بلکه جزء مهم پیشبرد امور کاراداری و لیاقت مامورین می باشد.

چون یک اساس عمده برای پیشبرد سریع و سالم امور اداری داشتن مامورین کاراداران است، برای بدست آوردن این نوع مامورین، ادارات مخصوصی در هر رشته بوجود آورده اند و اینها صیغه درین امتحانات موفق شوند اولاً به صورت امتحانی و بعد از جلب رضایت آمرین، بطور دائمی در ادارات گماشته میشوند.

صداقت صفتی است مربوط به فرد و برای دانستن اینکه شخصی صادق است یاخیر، وقت زیاد بکار است، چون وقت ادارات خیلی مهم است و از طرف دیگر داشتن صداقت یا نداشتن آن یک صفت شخصی است ادارات برای رفع عدم مسئولیت مامورین مقرراتی وضع نموده اند این مقررات برای هر بست وضع شده است. وقتی شخصی در اداره ای مقرر شد، برای لاقول یک هفته از طرف آمر شعبه به وظیفه جدیدش آشنا ساخته میشود همچنان مقررات وضع شده برایش سپرده میشود درین مقررات صلاحیت مسئولیت، مکافات، مجازات و غیره مسایل مربوط به وظیفه آن مامور ذکر شده به مامور خاطر نشان میگردد که چه توقع داشته باشد و چطور وظایف خود را اجرا کند.

بیمورد و وسیع و در برخی حصص هم خیلی ضعیف است شعب مختلف یک اداره که وظایف مشترکی را اجرا مینمایند حتی از نگاه فزونی هم خیلی مشکلات دولت (ملت و حکومت) از حالت تیوری به حقیقت میرسانند.

وقتی مشکلی در کشور حس شود حکومت (اورگان مشکل کنای اجتماع) ب فکر چاره جویی می افتد پس از جمع آوری معلومات در باره مشکل مخصوص، ارزیابی و مطالعه آن معلومات، راه چاره آن از چندین جانب سنجیده شده فیصله ای از طرف حکومت صادر میشود. بعد از آن کار اصلی حل مشکل مردم بدست ادارات دولتی است تا آنچه ضرورت ملت بوده به آنها طبق فیصله حکومت تهیه کند و از ایجاد مشکلات بیشتر و مغلقت جلوگیری نماید.

حکومت جدید طوریکه دیده میشود با مشکلات مردم آشنا بوده درصدد رفع آن برآمده است. مگر حالا باید دید که اداره هاتجاه اندازه در حل مشکلات جدیدت بخرج خواهند داد. باید متذکر شد که تشکیلات و طرز اجرای امور ادارات دولتی نظر بتقاضای عصر و زمان و شرایط قابل تجدید نظر است. تشکیلات اداری در بعضی قسمت ها

طوریکه اکثر خوانندگان میدانند اداره سازمان دولتی است که برای تطبیق خط مشی حکومت فعالیت می نماید و فیصله های حکومت را در رفع مشکلات دولت (ملت و حکومت) از حالت تیوری به حقیقت میرسانند.

وقتی مشکلی در کشور حس شود حکومت (اورگان مشکل کنای اجتماع) ب فکر چاره جویی می افتد پس از جمع آوری معلومات در باره مشکل مخصوص، ارزیابی و مطالعه آن معلومات، راه چاره آن از چندین جانب سنجیده شده فیصله ای از طرف حکومت صادر میشود. بعد از آن کار اصلی حل مشکل مردم بدست ادارات دولتی است تا آنچه ضرورت ملت بوده به آنها طبق فیصله حکومت تهیه کند و از ایجاد مشکلات بیشتر و مغلقت جلوگیری نماید.

حکومت جدید طوریکه دیده میشود با مشکلات مردم آشنا بوده درصدد رفع آن برآمده است. مگر حالا باید دید که اداره هاتجاه اندازه در حل مشکلات جدیدت بخرج خواهند داد. باید متذکر شد که تشکیلات و طرز اجرای امور ادارات دولتی نظر بتقاضای عصر و زمان و شرایط قابل تجدید نظر است. تشکیلات اداری در بعضی قسمت ها



ضرورت هم آهنگی روشنفکران در برابر وجایب ملی در حالیکه منتظریم حکومت دکتر عبدالظاهر موقف خود را در باره یک سلسله مسایل حاد ملی بشمول انفاذ بعضی قوانین متمم دیمو کراسی و وضع پروگرامی مؤثر برای رفیع رکود فعلی اقتصادی توضیح نماید، صحبتی بشکل خودمانی با طبقات منور و مرفعی کشور درین حال نیز دارای اهمیت و ارزش خاص میباشد. آنانیکه به انکشاف سلیم دیمو کراسی و ایفای عدالت اجتماعی و اقتصادی درین کشور علاقه بی شائبه دارند از نفاق و شقا فیکه دامنگیر طبقات منور و مرفعی کشور گردیده است سخت رنج میبرند. این مردم خوب بخاطر دارند که جریانات مشخص سیاسی چگونگی در اثر همین بی اتفاقی و شقاق به جریانات متعدد منشعب گردیده و چگونگی بیای یک دیگر تیشنه زده طرف مقابل را بحیث مبلغ منافع بیگانگان ترسیم کردند.

اگرچه در کشور هایی ما نسیب افغانستان که گپ زدن مفت است و ناهنوز از هیچ کس تقاضا نشده در برابر ادعا ها و وعده های خود حساب بدهد بسن انبام نیز خرچی ندارد. حیث است که طبقه محدود عناصر منور و مرفعی این کشور بضرر هم دیگر تقنین و تبلیغ منفی نمایند. طوریکه همه مشاهده میکنیم همین اکنون در برابر تقاضا های این عناصر مبنی بر تطبیق اصول اساسی دیمو کراسی در کشور اعتنایی صورت نگرفته آهسته آهسته این مفکوره تقویه می یابد که باید برای انجام امور از هر کس دیگر خود طبقات چیز قسم و پساگرمزه کشور در پیشبرد اهداف ملی سپیم کردند.

هنگامیکه انسان در بین این گروه ها شقاق و نفاق را مشاهده میکند، طبعاً تأثر او دو چند میشود. حتی کشور هایی که از وجود اشخاص چیز فهم خیلی غنی هستند، در عصر امروز از یکطرف تجمل تعدد احزاب و جریانات سیاسی را متحمل نشده از جانب دیگر این حالت را برای منافع کشور های شان مفید نمی دانند.

ما فکر میکنیم که برای نیل به آرزو های اصیل اجتماع افغانستان (ایجاد یک سوبیه زندگی مرفه به همه افراد کشور در چوکات عدالت اجتماعی و احترام به ارزش های اصیل ملی و دینی) عناصر زیادی چه در چوکات جریانات متشکل شده (اگرچه هنوز هم شکل غیر رسمی دارند) و چه در خارج آن وجود دارند که می توانند با هم اشتراک عقیده داشته باشند ما در مسایل سیاسی باید دارای حوصله فراخ و قوه ادراک باشیم به ترتیبی که در اثر آن منافع عالیای کشور تامین شده بتواند شاید در افغانستان عناصری وجود داشته باشند که هنوز هم فکر میکنند منافع خود را در چوکات یک نظام استبدادی و ملوک الطوائفی خوبتر حفظ کرده می توانند و بنا بران هر حرکت شان متوجه خشنی ساختن فعالیت های مرفعی در کشور بوده این فعالیت هارا به داشتن وجه غیر ملی و دینی ملزم میسازند و در نقطه متناظر آن هم عناصری قرار دارند که فکر میکنند ما بدون در نظر داشت واقعیت های تاریخی، سیاسی و جغرافیایی یک سیستم ساخته شده دیگر را در کشور خود تطبیق کنیم و لو در آن خطرات حذف آزادی های فردی و سیاسی مضمهر باشد.

یقین داریم افکار سالم و عناصر مرفعی این کشور هر دوی این حالت را رد کرده سعی دارند عدالت اجتماعی را از راههایی تامین کنند که از یکطرف نظام ناقص و استبدادی که در آن منافع صرف یک طبقه مخصوص و محدود مضمهر است عوض گردد و از جانبی هم آزادی های فردی، سیاسی و ملی در چوکات منافع عالیای کشور مصون ماند.

ما ضمن ارزیابی این اوضاع در کشور خود در عین حال ملتفت سیر جریاناتی بوده ایم که برای اینکه توانسته باشند کاری انجام بدهند به این فیصله رسیده اند تا در طرز کار پروگرام خود تعدیلاتی وارد کنند اگر چه هنوز هم فکر میشود این تعدیلات صرف منزلت یک تکنیک را داشته و در حقیقت در عقاید آنها تغییر رخ نداده است.

ایجاد یک تماس دایمی بین عناصر و جریانات مرفعی و وطن خواه اگر این کار امکان نمیسازد که بین آنها اساسات وحدت کامل ایجاد گردد لاقول ساحه تفاهم را بین آنها برای بوجود آوردن یک جنبه وسیع برای رفع پسمانی های عاجل افغانستان وسعت خواهد بخشید و کار هر فرد مال اندیش باید همین باشد که چنین ائتلاف را بنام سعادت و رفع پسمانی های افغانستان در حال حاضر تحریک کند.

بخش تبسم

طریق آشنایی با مور متخصص زراعتی که در قصبه ای جدید مقرر شده بود آمد و گفت: من یک شخص محترم و دارای سوبیه عالی زندگی هستم چطور در این قصبه زندگی خواهیم کرد؟ - باکی ندارد یکماه بعد کاملاً بلد میشوید. - پس حال شهر میروم و یکماه بعد عودت میکنم.

دانیال خاوند: صباح الدین کشکی
مسؤل مدیر: عبدالحق و اله
دمسؤل مدیر وکیل: احمد جواد را تب
بی تعطیل له ورخو هره و رخ خبرینی
کالنی اشترالا: به کابل کبسی ۳۰۰- افغانی
به ولا یا تو کبسی ۳۵۰- افغانی
به خارج کبسی ۵۰ دائره
دبوی گنی بیه ۲- افغانی
بته نوی بنار، زرغونه واپ ملالی لسی ته مخامخ
دمسؤل مدیر دتلفون نمبر ۲۵۰۷۴ نامه نگاران او اداری: ۲۵۰۷۳

جندسپر از چند مکتوب

همکاری مردم با ترافیک ضروری می باشد

نیاغلی مدیر!

با ازدیاد روز افزون وسایل حمل و نقل و عراده ها وظایف ترافیک مشکل میشود اگر مردم و رانندگان ترافیک سر همکاری را نگیرند آن سبب به تنهایی قادر نخواهد بود در مقابله با تصادمات ترافیکی حایل شود. تا جائیکه دیده و شنیده شده مدیر سایر صاحب منصبان ترافیک سعی کنند افراد و منسوبین شان با مردم و به شرافتمندانه را در پیش گیرند تا آنچه در وضع بهبودی نیز حاصل شده است.

نکته مهم اینست که بعضی افراد کمشت شمار ترافیک با وجود کوشش های آمرین نه تنها به اخذ جریمه از رانندگان میپردازند بلکه آنها را لت کوب نیز می کنند که بنظر من بخاطر حفظ کرامت انسانی اینکار درست نیست و هم توقف دادن موتر، جریمه نقدی و لت و کوب در یور سه جزا برای یک نفر در مقابل یک انحراف کوچک تعیین میگردد. در این باره توجه مقامات را معطوف میدارم.

با احترام محمد سلیمان پرویز

سکوه از دست آمر حفظ و مراقبت سالنگ

نیاغلی مدیر!

یکتفر عبدالله ولد داد محمد ساکن جبل السراج از تاریخ ۶ جوزای ۴۴ در محکمه ابتدایی محل با من عوی دارد. در جریان دعوی در محکمه اکثر کار راترک گفته و به محکمه شتافته است باز هم از حمایت محمد قاسم آمر حفظ و مراقبت سالنگ سر خور دار گردیده تماما معاشات او تا برج ... امسال که وکیل قانونی گرفته نادیده شده است.

دو بار به قوایکار وزارت فواید عارض شده مکاتبی به شماره ۲۵۲ تاریخی ۱۲۶۹۱۲۶ و مکتوب ۲۱۸ مورخه ۱۱ حوت ۱۳۴۹ عنوانی آمر حفظ و مراقبت سالنگ صادر و در آن تاکید شده محمد قاسم مذکور از حمایت میخانیک و امثال آن دست بردار شود موصوف نه تنها به او امر مقامات واقعی نگذاشته بلکه معاشات دوره دعوی داد محمد را که به محکمه راجع بوده نیز اجرا کرده است. توجه وزیر فواید محامه را که در کارها جدی میباشد بخواهیم.

با احترام نظر محمد

از اشخاص وارد کار گرفته شود

نیاغلی مدیر!

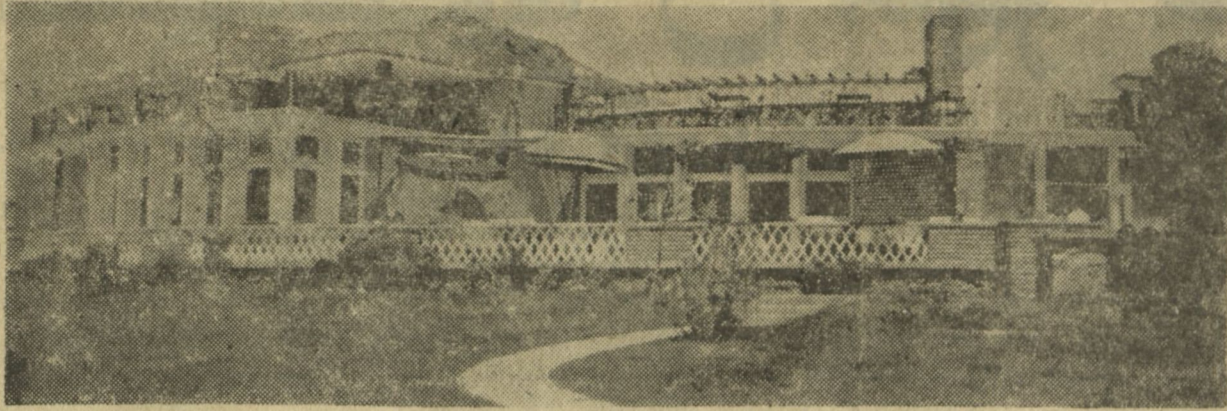
در بعضی حلقه ها گفته میشود اشخاص موظف در کار استخراج جنترول و معادن لیاقت دارند اما از تجربیات عصری اطلاعات کافی ندارند چون موضوع برای افغانستان حیاتی است بنابراین توجه مقامات را در روشن ساختن حقا یق معطوف میدارم.

حرمیت رفیق گردیزی

اپارتمان کرائی

اپارتمان سه منزله مجهز با تشناب های عصری واقع حصه دوم جا ده میوند برای رهائش فامیلی و اداره های تجارتنی و رسمی بگریه ۱۵ ده میشود. مرجع مفاصمه تیلیفون ۲۴۷۲۴ و ۲۰۸۲۲

قرغه و یلای عصر



گذرا نیدن روزها و شب های بهار و تابستان در قرغه باعث نشاط روحی و سلامت جسمی شما میگردد.

گلپای قشنگ، سبزه، بند بزرگ آب، مناظر کوهستانی و دره های پر پیچ و خم در آنجا چشم نواز است.

ساختمان های دو منزله (شش کونتی) مجهز با اتاق های خواب، سالون، آشپز خانه و تشناب با تنویر کافی در نهایت پاکی و آراستگی برای خانواده های محترم حاضر است.

در یک شب و روز صرف با ۲۰۰ - ۴۰۰ و ۲۵۰ - افغانی از آنها استفاده کرده میتوانید.

رستوران و کافه قرغه سرور و گرمی دعوت ها و محافل شمارا دو چندان میسازد صمیمیت در خدمت برای هموطنان وظیفه ماست تیلیفون ۳۲۹۵۰

پرفروش ترین نوشابه جهان

فانتا

بنوشید

لذت و ذائقه فانتا باندازه اعلی است که انسان

همیشه آرزو میکند تشنه باشد.



قیمت: در کابل فقط ۵ - افغانی خارج کابل: ۶ - افغانی

شرکت سهامی کام - صاحب امتیاز پر کردن بوظل در افغانستان کوکاکولا و فانتا علامت ثبت شده شرکت کوکاکولا است

آگاهی

فابریکه نجاری جنگل که تا چندین ساله به اجاره هو ختیف بود با تجارب چندین ساله اقسام موبل و فر نیچر، میز ها، الهاری ها، چوکی ها، تخت خواب، دروازه و کلکین و غیره را بصورت عصری، مستحکم و مرغوب از مواد بسیار اعلسی به شرایط خاص فنی مطابق معیار هو ختیف میسازد باز هم بخوشی بیشتر علاقمندان قیمت های ساختمانی خود را از نشر این اعلان به بعد (به استثنای میز تحریر، الهاری تخته های پرس شده) رعایتان نرخ هو ختیف تا بیست فیصد تنزیل عرضه مینماید. مشتریان محترم میتوانند فقط بایک معامله مشتری دایمی ساختمان سهویه عالی شوند.

نظری بجز این

جریده هفته وار روز کار شامل دو مین سال نشراتی خود گردید. محمد یوسف فرند صاحب امتیاز و مدیر مسؤل روز کار در سر مقاله شماره ۷ میزان تحت عنوان «سال دوم نشرات جریده روز کار» مینگارد:

«... من در حالیکه از نشرات یک ساله این جریده در راه مجادله بسا فساد و توضیح مسایل رضایت دارم میخوامم متذکر شوم که خدمات این جریده نیز مانند هر کار درست و بخیر جامعه در شرایط اجتماعی مابا مشکلات زیادی مواجه است از جمله این مشکلات وضع نا مساعد اقتصادی جهت تهیه معلومات بهتر وضع غیر مساعد مردم مادر خریداری جراید، مشکلات طبع و نشر و سانسورها بیکه تا چندین قبل در جریان بود، رقابت های منفی نشرات حکومتی مخصوصا اعلانات دوایر دولتی و امثال آن که نه تنها برای جریده موثر است بلکه در عدم رشد مطبوعات در مملکت تاثیر زیاد دارد. این جریده در حالیکه آرزوی شنیدید توسعه خدمات خود را دارد لازم است این مطالب را به خوانندگان وطن خواه خود برساند که یک جریان وسیع و سالم مطبوعاتی در شرایط کنونی میسر نیست و از همین جهت با وجود آرزو مندی به تغییر این جریده به روز نامه امکانات حصول این آرزو میسر نشده است.»

نویسنده خاطر نشان کرده: «اگر قرار باشد نشریه ای برای بقای خود روش خود را با خواسته های قدرت های اقتصادی و اعلان دهنده وفق بدهد در شرایط کنونی اقتصاد افغانستان متاسفانه قدرت اقتصادی بدست تجار وارد کننده اشیا بجملی و بیلزوم و قاچاقبران است که به هیچ صورت یک جریده مترقی نمیتواند با آنها هم تنوایی داشته باشد... اگر قرار باشد که در مملکت ما مطبوعات وسیع و آزاد بوجود آید شاید یک حکومت وطن خواه با پالیسی های معقول درین راه خدمات شایانی کرده بتواند و حتی تدابیری اتخاذ نمایند که توسط یک موسسه اعلانات دولتی هم اعلانات را جمع آوری کرده به نشرات مختلف بیک تناسب معین توزیع نمایند و دست نفوذ کنندگان مغرض را از مطبوعات کوتاه سازد ما در حالیکه به نشرات خود ادامه خواهیم داد سعی خواهیم ورزید از هر گونه امکاناتی که سبب توسعه نشرات ما شود و در عین حال روش مترقی و استقلال نظر جریده حفظ شده بتواند استفاده خواهیم کرد...»

روز کار در مضمون دیگری تحت عنوان «آیا در نظر است وزارت پلان از بین برود» مینگارد که بقسول نویسنده «از مدتی است که مریضی مزمن عطالت وزارت پلان را احاطه کرده است و هیچکار مشمری را از پیش برده نمی تواند اگر بقدری به سابقه چندین ساله این وزارت دقت شود چنان نتیجه گیری شده میتواند که مریضی عطالت این وزارت تصادفی و آتی نبوده بلکه به مرور زمان و مخصوصا بعد از نیمه پلان دوم در جریان است... درین وزارت از آن به بعد کمتر به تربیه پرسنل داخلی و سهمگیری شان در امور پلان توجه

شده و بعداً اشخاص درین وزارت مسؤلیت امور را بدست گرفتند که بجز خوشنود ساختن عدهای و تهیه چوکی ها و پست ها و مقرری های بیلزوم نه تنها کاری از پیش نبردند بلکه وزارت کاملاً تحقیقی و تخصصی را مبدل به میدان چوکی طلبی و مبارزه های چوکی خواهی نمودند... مشاورین خارجی روز بروز زیاد شد و ایسن مشاورین اکثر چنان وزرا و آنها بپرا که با امور اقتصادی سرو کار داشتند احاطه میکردند و مشوره ها میدادند و مواد تهیه میکسردند که ضرورت بداخلی ها احساس نمیشد...»

نویسنده خاطر نشان کرده «بعضا گفته میشود که ممکن است وزارت پلان از بین برده شود البته از بین رفتن آن یک عقب نشینی بزرگ اقتصادی در مملکت خواهد بود اما اگر قرار باشد که وزارت پلان از بین برود و در عوض یک کمیسیون پلان بوجود آید در آن صورت نیز لازم است اشخاص مسلکی فنی آن نکند شته شود... باز هم تا وقتی که اشخاص کافی مسلکی داخلی موجود نباشد پلان سازی چه بنام وزارت و چه بنام کمیسیون با مرض عطالت دچار خواهد بود.»

روز کار مضمون یک عده معلمین دارالمعلمین را تحت عنوان «پیرامون بیانیه دکتور عبدالقادر بهاء رئیس پوهنتون کابل که در محضر جمعیت محصلان جدید الشمول ایراد نمود» به چاپ رسانیده است.

نویسندگان این مضمون بعضی گفته های رئیس پوهنتون کابل را احساساتی خوانده و بعضی گفته های او را تردید نموده اند در مضمون تذکر رفته که داکتر بها در بیانیه خود خطاب به محصلان گفته است «من یقین دارم که شما در دوره دوازده سال مکتب اگر به صورت درست وزن شوید هیچ چیز نیاموخته اید» معلمین دارالمعلمین خاطر نشان کرده اند که آموزش از پراتیک اجتماعی سر چشمه میگردد و زمانیکه جریان های آموزشی در اجتماع تسلط یافت آنگاه به نیروی مادی جهت تغییر رفتار و کردار افراد مبدل خواهد شد انسانها طی پراتیک اجتماعی خود در مبارزات گوناگون شرکت می ورزند و تجربیاتی از برخورد با آنها بدست می آورند.

معلمین دارالمعلمین به جواب این گفته داکتر بها «آنکه خودش چیزی یاد ندارد چگونه میتواند شما را بیاموزاند» نگاشته اند «از گفته شان چنان برمی آید که با استثنای استادان پوهنتون که خود آنها را تیره نموده اند سایر استادان و معلمان مکاتب «هیچ چیز نمیدانند» میتوانند بدیگران چیزی بیاموزند. از جناب شان پرس سیده شود که شما در دوره طفلی شامل پوهنتون شده بودید آیا استادان امروز پوهنتون شاگردان دیروز مکاتب نبوده اند آیا تمام اشخاصیکه در چوکی های خرد و بزرگ موسسات مملکت به کار مشغول اند شاگردان دیروز همان معلمانیکه فکر کرده اید نبوده اند...؟ ما گفتار های غیر واقعیتانانه آقای بها را رد نموده و علاوه میداریم که تخصص در یک مرض جسمی تا تخصص در تعلیم و تربیه (آنهم تطبیقی) قدری فاصله دارد...»

جنون شهرت

اثر: ریچارد ام. الیس Richard M. Ellis

معمولا بعد از نصف شب دروازه هتل را میبست. ها مر دایبل نمی خواست در ساعات بعد از نیمه شب سرو کله بد مستی ظاهر شود و بدون اطلاع مزاحمتی تولید کند. او در را میبست و فارغبال جای نیمه داغش را شوی می کرد. هر گز بعد از نیم شب قهوه ننوشیده بود و اینبار نیز جای مطبوعی را می نوشید که صدای زنگ در واژه بگو شش رسید. بیایه جای را روی میز پذیرایی گذاشت و بتانی از دهلیز گذشت. در واژه ضخیم شیشه ای را کشود. همینکه نگاهش بجوان عجول همسایه رسید، تبسم معمولی از گوشه لبش فرار کرد.

جوان که معلوم بود خون غیرتش بجوش آمده، گفت: - امیدوارم خوابم آید. میدانم که شب تقریبا به آخر رسیده اما... ها مر دایبل نفسی بپراحت کشیده گفت: - یقینا میدانید که حالا ساعت سه بعد از نصف شب است. خواهر شما اینجا نیست. شاید بکدام هتل دیگر رفته. چشمان جوان بزیر ابرو ات تندش تنگتر شد، و بالا فاصله گفت: - باین تذکر شما موضوع بیشتر شکل معما را بخود می گیرد! خواهر پنا هگاه، صرف برای طبقه اناس من میخواست از میدان طیاره راسا تخصیص یافته بود.

اینجا بهمین هتل بیاید. - شاید خواهر شما در عرض راه تصمیم خود را عوض کرده باشد یا ممکن است با کدام آشنا بر خورده باشد. جوان اندکی تغییر کرده، گفت: - اوه، شما بکلی اشتباه میکنید! خواهر من، بیستی ازین نوع دختران نیست! ها مر دایبل بایک سرفه ضعیف سینه را صاف کرد. وی از بیست سال باینطرف در بان شب زنده دار و تکمیلان شبانه هتل سنتیلا واقع با لیمور بود که این هتل بحیث شکل معما را بخود می گیرد! خواهر پنا هگاه، صرف برای طبقه اناس من میخواست از میدان طیاره راسا تخصیص یافته بود.

ها مر دایبل در حالیکه سعی میکرد در واژه شیشه ای را ببندد، گفت: - از آغاز امشب نزد ما مهمان جدیدی رجوع نکرده است. جوان با سماجت اظهار کرد: - لااقل اجازه بد عید داخل شوم و از تیلیفون شما برای اطلاع پولیس استفاده کنم. آخر من خیلی از بابت خواهرم پریشانم. ها مر دایبل متردد گردید. در هتل سنتیلا مقررات شدیدی وضع شده بود که در آن جمله ورود طبقه ذکور بطور قطع ممنوع بود. از سوی دیگر این جوان عجول واقعا از ناحیه خواهرش سخت نگران و مشوش بنظر میرسید.

انفجار است. این جوان مضحک با قیافه قابل اعتمادش، او را اغفال کرد و با داستان جعلی خواهرش، ترحم او را جلب نمود. دایبل نگاهش به سیف افکند که در قسمت اخیر دهلیز گذاشته شده بود. البته سیف کا ملا بسته نبود، ولی فعلا در شش کوشوده بنظر میرسید. ها مر دایبل بشدت اظهار کرد: - می بینم که عواید امشب ما را بر داشته اید! امیدوارم پنجاه دالری که بین سیف بود، بدرد شما بخورد زیرا بیش از آن رانمی توانید درینجا سرقت کنید. البته پنج دالر یکه در جیب من بود، آنقدرها اهمیت ندارد. لمبت تبسم کنان گفت: - شش دالر، اگر دقیق میشمارید! وقتیکه شما بهوش نبودید، سرایای مبارک تانرا جستجو کردم. بسک تفنگچه خوشنما نیز از روک میز پذیرایی شما بدست آمد. و لسی باور کنید من بیول و یاسلاح شما دلچسپی ندارم. من اینرا می خواهم! لمبت در ختم گفتار، لیست مهمانان هو تل را که در آن اسم همه دختران جوان با نمبر اتاق شان درج شده بود، از روی میز پذیرایی بر داشت. چشمان هامر دایبل تنگتر شد. او براستی نفهمید مطلب جوان بیباک چیست. لمبت ادامه داد: - نه، من دیگر بدنبال خواهرم (بیستی) نمی گردم. اگر راستش را بپرسی، بیستی گک قشنگ فعلا یکمال راحتی به بستر خودش در منزل خوابیده. وی بازی درین هو تل بسر برده، ایام تعطیل خود را بخوبی سپری نموده است. وی تعریف های زیاد این هو تل را کرده است. اینجا را خیلی زیبا خیلی مسترح و بسیار باوقار یافته است.

لمبت با لجن همیشگی گفت: - این نقشهای مضحک یقینا موضوع را دلچسبتر میسازد. وی نخنده ای جنون آمیز کرد علاوه نمود: - همین چیزها باب دندان جردن و روز نامه هاست. ها مر دایبل با صدای لرزان جواب داد: - یقینا، یقینا. این جوان عجول تا همین دقایق از آن تیمیهای بنظر نمی رسید. هراس انگیز جلوه کند، ولی حاضر موضوع از شکل عادی خود خارج شده است. حالا که درک می شود این جوان بیباک بیکی از امرا خطرناک زوخی مصاب شده است. طبع او موضوع تغییر می کند. داستان شکلی دیگر می گیرد! لمبت نگاهش بساعت دیواری افکند. گفت: - سه و نیم: درست لحظه ای پدرم چند ماه قبل جهان را وادار کرد!

عاقبت بایک تصمیم قاطع جوان اجازه ورود داد و دروازه را بست دهلیز تقریبا تاریک بود و صرف روشنی کم رنگ چراغ مطالعه و هامر از عقب میز پذیرایی سیاهی مطلق را شکسته بود و علامات روشن زرد کونته که بالای مدخل زینه برقی طبقات عمارت را نشان میداد نیز درین امر بی تاثیر نبود.

جوان که با نگاه سرپی اظهارش را بررسی کرد، آهسته گفت: - خموشی و سکوت عجیب فعلی هتل کا ملا با جوش و خروش شام امروز مغایرت دارد. امروز شام ازین حدود گذشتم و یکعده دختران جوان و قشنگ را که دلبرانه بهر سو میچسبیدند، مشا هده کردم. راستی فراموش شد خود را معرفی کنم: اسم من باب لمبت است.

هامر دایبل اشاره ای کرده، گفت: - خوب آقای لمبت، آنجا تیلیفون است، می توانید استفاده کنید. لمبت جیبهای کرتی سپورتی خود را جستجو کرده، گفت: - گمان می کنم پول خورد ندارم. هامر دایبل آهی کشیده، خود را بمیز پذیرایی خم کرد. درین اثنا ضربه شدیدی را احساس کرد.

کله دایبل داغ شد و جهان در نظرش تاریک گردید...

وقتیکه در بان دو باره بهوش آمد خود را روی چوکی عقب میز بزرگ پذیرایی نشسته دید. سرش هنوز درد می کرد. سعی نمود دستان خود را حرکت دهد، ولی نا ممکن بود. نگاهش باطراف افکند، جوان عجول را که قبلا بمنظور استفاده از تیلیفون هتل وارد شده بود، شناخت.

لمبت تبسم معنی داری کرده، گفت:

- خدا را شکر که هنوز زنده هستید. ترسیدم که میادا بکلسی مفارقت کرده اید. آقای دایبل، ضربه من اندکی شدید تر بود! - چی؟ این شما بودید که... ها مر دایبل ضمنا بار دیگر سعی کرد دستان خود را حرکت دهد، ولی سودی نبخشید و تازه ملتفت شد که که بازوان و تنه فوقانی اش سخت بجوکی بسته شده.

لمبت باز هم خندیده، گفت: - خینی متاسفم که ضرر به محکمی حواله کردم. شما باید در هر حال تفنگچه ای با خود داشته باشید، زیرا شما به تنهایی مکلف هستید یکعده دختران مقبول را درین هتل پاسبانی کنید. دایبل حرفی نزد، ولی احساس کرد که کله اش از منتهای غضب در حال

لمبت تبسم کنان گفت: - شش دالر، اگر دقیق میشمارید! وقتیکه شما بهوش نبودید، سرایای مبارک تانرا جستجو کردم. بسک تفنگچه خوشنما نیز از روک میز پذیرایی شما بدست آمد. و لسی باور کنید من بیول و یاسلاح شما دلچسپی ندارم. من اینرا می خواهم! لمبت در ختم گفتار، لیست مهمانان هو تل را که در آن اسم همه دختران جوان با نمبر اتاق شان درج شده بود، از روی میز پذیرایی بر داشت. چشمان هامر دایبل تنگتر شد. او براستی نفهمید مطلب جوان بیباک چیست.

لمبت ادامه داد: - نه، من دیگر بدنبال خواهرم (بیستی) نمی گردم. اگر راستش را بپرسی، بیستی گک قشنگ فعلا یکمال راحتی به بستر خودش در منزل خوابیده. وی بازی درین هو تل بسر برده، ایام تعطیل خود را بخوبی سپری نموده است. وی تعریف های زیاد این هو تل را کرده است. اینجا را خیلی زیبا خیلی مسترح و بسیار باوقار یافته است.

ها مر دایبل که بحركات غیر ارادی جوان دقیق شده بود، متوجه گردید که وی باو صف گفته های حساب شده، خیلی هیجانی بنظر میرسد. قطرات کوچک عرق روی پیشانی وی سر زده، دستاتش بالیست مهمانان هو تل می لرزید.

لمبت با همان لهجه قبلی، گفت: - من باید چند لحظه دیگر صبر کنم تا ساعت شما سه و نیم بعد از نصف شب را اعلام کند. هامر با پریشانی پرسید: - صبر کنید؟ بر ای چه؟ لمبت بجای پاسخ بسوال وی، گفت:

- یک در بان شبانه، مانند شما، که صرف وظیفه نگهبانی یکعده دختران زیبا را بدوش دارد، باید شما حد ماجرا های بی نظیر باشد! در اثنا یک لمبت حرف میزند، دایبل بصورت غیر محسوس در تلاش رهایی خودش بود و در آخر یسن لحظه ملتفت شد که با زوی چپش قدری آزاد شده است.

درین وقت جوان ناشناس پیرهن خود را از تن کشید و هامر دایبل متوجه شد که بر قسمت های فوقانی بدنش نقشهای مضحک شیطانی دیده میشود. این نقشها برنگهای تند تابشیری در هر قسمت پوست وجودش ترسیم گردیده است. دهن در بان از تعجب و وحشت باز ماند...

درین وقت جوان ناشناس پیرهن خود را از تن کشید و هامر دایبل متوجه شد که بر قسمت های فوقانی بدنش نقشهای مضحک شیطانی دیده میشود. این نقشها برنگهای تند تابشیری در هر قسمت پوست وجودش ترسیم گردیده است. دهن در بان از تعجب و وحشت باز ماند...

لمبت به قهقه خندیده، گفت: - زیاد متاسف نیاشدید، آقای دایبل. پدرم در اثر سکت قلبی در گذشت و حرفهای دیگر را روزی ها جعل کردند تا موضوع را دلچسب و داغتر بسازند. این موضوع، بهیجان آورد. پدرم اگر زنده همی مطنش میشد که شهرتش به آسمان رسیده است!

ها مر دایبل بحیرانی سوخی جوان دیوانه میدید. لمبت باخنده مستانه گفت:

خوب، حالا برویم روی مساف خود مان. اینجا می بینم که دختر در طبقه اخیر استراحت کرده اند. مجموعا عهده نفر هستند که ایشان در اتاقهای یکنفره خوابیده و این موضوع بکار من سهولت می بخشد.

دایبل نعره کشید: - از برای خدا، شما چه پلای دارید؟ لمبت اظهار کرد:

- باکلید ها بیکه از روک میزند بر داشته ام، به آرامی از یک اتاق با اتاق دیگر میروم و کارم را تمام می کنم، بدون آنکه سرو صدا تولید شود.

ها مر دایبل سر درد آلو در ش حرکت داد. وقتیکه دید جوان درو یک آله کشنده فولادی را از جیب بتولون بیرون کشید. بقدرت دید خود را اعتماد نکرد. جوان ناشناس که قبلا یک قاتل بیرحم را اختیار کرده بود، بسوی زینه برقی حرکت کرد.

ها مر دایبل صدای وحشتناک بر کشیده، گفت: - صبر کنید. این عمل شما پوشیده نمی ماند. شما برای اعدام هنوز خیلی جوان هستید. بخود و بدختران معصوم رحم کنید. آنجا پولیس بیدار است و بفوریت حاضر می شود.

50 KG
MADE IN AFGHANISTAN
مارک جدید
دافغان سمنتو فابریکه
جبل السراج

سمنت مارک جدید فا بریکه جبل السراج دارای مقادیر و مت پنجدست ششصد بوده و در سا ختمان منزل، بند ها و هر نوع ساختمانی های کا نکریتی امتحان خوبی داده است. از سمنت مارک جدید فابریکه جبل السراج خریداری نمایند. قیمت یک خر یسطه پنجاه کیلوگرمه در خود فابریکه ۷۰- افغانی

TOYOTA

تویوتا

تویوتا کورونا با مصرف ناپایسته و ول خود برای شش
 هفته تجاری جاه می دهد و هم ماشین بزرگ آن با قدرت ۸۳
 مازسپا و در ماشین های موتور آن بزرگ هم سری
 میکند.

این موتور از ان قیمت
 جواب خیلی خوبیت برای
 یک تنگی از ان با دوام
 و کم مصرف برای انده
 بیشتر لطفاً بوسه میزند
 سرویس در شهسالدین
 میدان مراجعه نماید.



WE ARE PROUD TO ANNOUNCE THAT FOR THE FIRST TIME
 YOU CAN HAVE A DUTY FREE TOYOTA DELIVERED TO YOU
 IMMEDIATELY FROM KABUL BONDED WAREHOUSE.

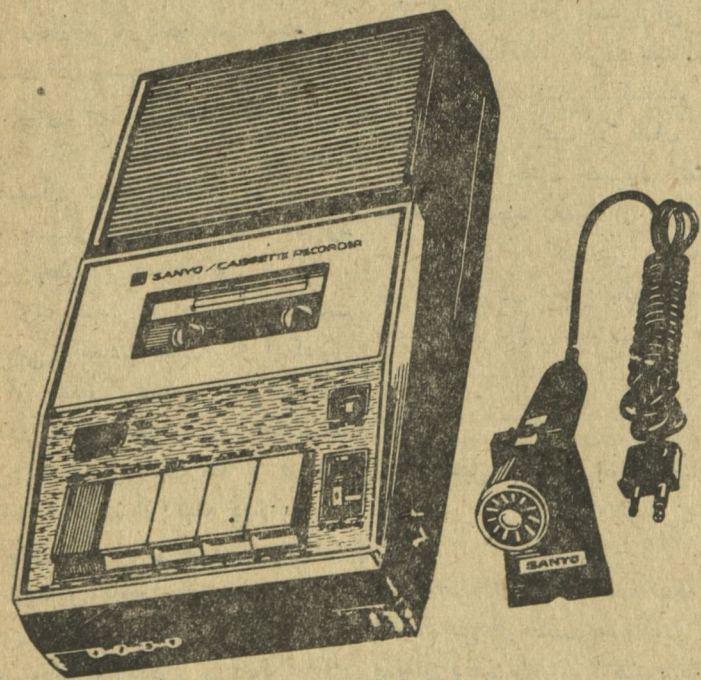
پول ملل متحد برای کمک به مهاجرین پاکستان شرقی تماماً مصرف شده است.

دو دفتر کمشنر عالی ملل متحد برای
 مهاجرین اعلام نمود پولی را که
 منظور بیشمرد پروگرامها پیش برای
 يك تخمینا هشت میلیون مهاجر
 پاکستانی در هند تخصیص داده
 شده بود مصرف نموده است.
 يك نطق اداره پنا مهاجرین گفت
 كه نخستین هفته است كه تخصیصیه
 ای این كار داده نشده است و تمام
 حدود چهار رده میلیون دالر یكه از
 ف حكومات مختلف برای انجام
 و گرام امدادی داده شده بود
 صرف شده است.
 اداره كمشنر عالی گفت كه ادامه
 يك به هشت میلیون تبعه پاکستان
 شرقی در هند مربوط به سهمگیری
 شده كشور ماست.
 نمایندگان صندوق اطفال ملل متحد
 مسسه صحنی جهان، انجمن های
 سلیب احمر و موسسه مواد خوراكه
 راعت لست ضروریات عاجل را
 تهیه نموده اند.
 نطقان اداره پنا مهاجرین گفت این
 تحت اساسی را برای تقاضای جدید
 بعد از همه كشور های جهان



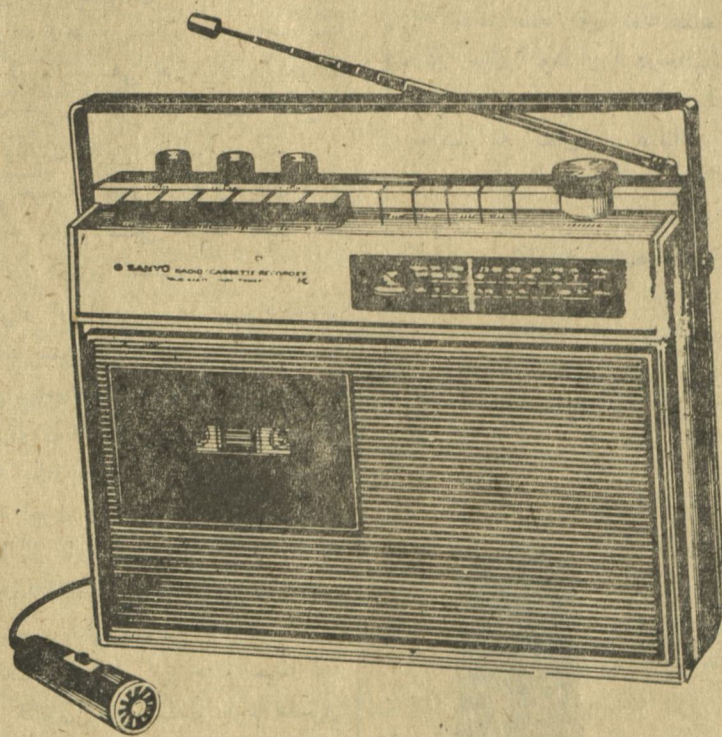
SANYO

سنیو



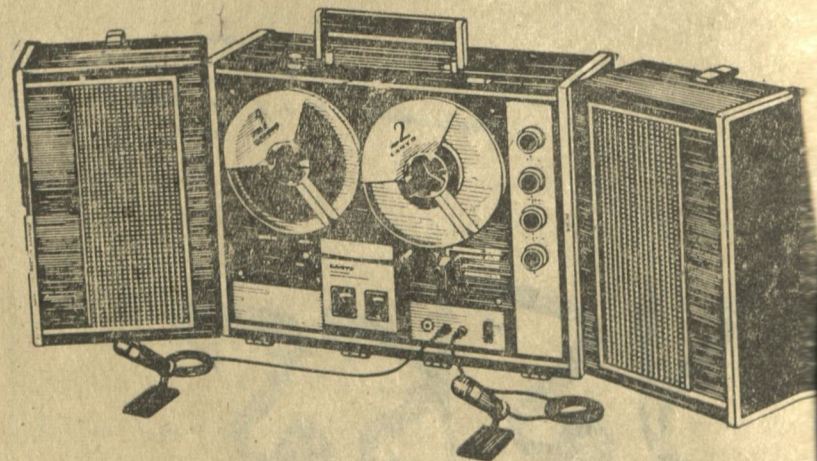
MI-488

كسیت تیپ ر یكارد ۲ تركاوت پت ۱۰۰ وات باطری و برق فعالیت
 میکند.



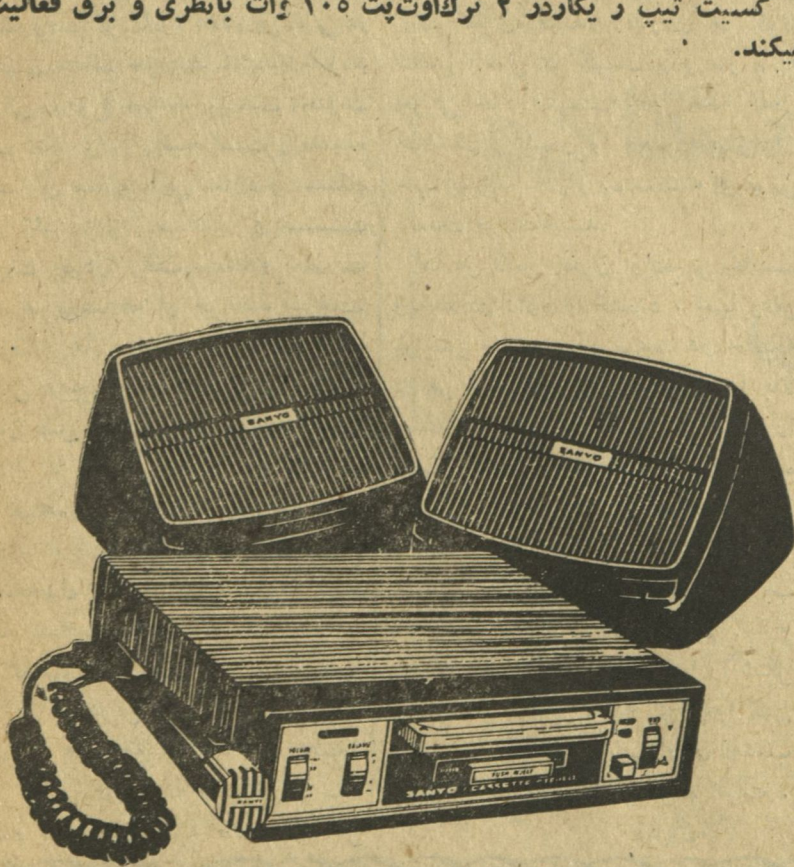
M-458H

رادیوی كسیت تیپ ر یكارد كه ادیوی آن دارای ۳ موج ۲ خط ۲
 وات با برق و بتری كار میکند.



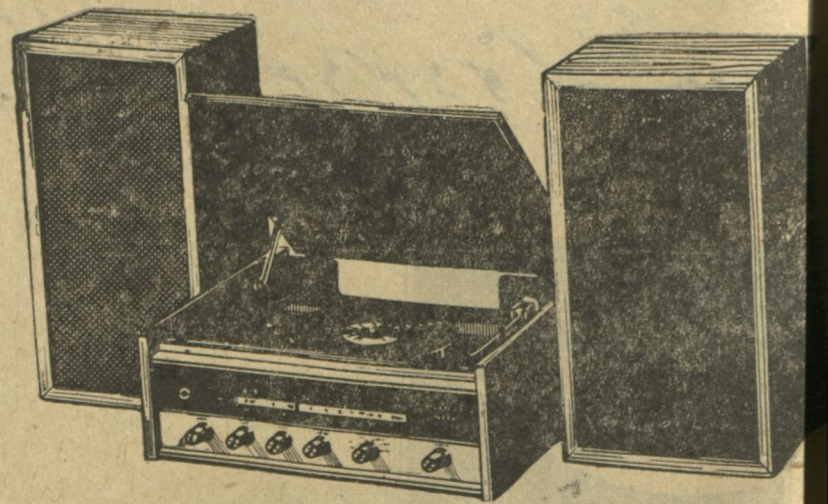
MR939

رادیو ریکار در ستریو با ۴ خط ۳ سر عت و ۲ لود سپیکر ۲۰ وات
 با ۲۲۰ ولت برق فعالیت میکند.



8UA-804

رادیوی دارای يك موج متوسط ۲ موج کوتاه و بادی خیلی قشنگ كه با برق
 و بتری فعالیت میکند.



رادیو گرام استیریو فو نیک دارای ۲ موج ۳ سر عت ۲ لود سپیکر
 ۱۶ وات كه با برق ۲۲۰ فعالیت میکند.

كسیت ستریو ر یكار در در مو تر دارای ۲ لود سپیکر ۲ سر عت كه با
 ۱۲ و ۶ ولت بتری مو تر فعالیت میکند اوت پت ۱۰ وات

محصولات سنیو مستحکم قشنگ با قیمت مناسب محل فروش عموم رادیو فروشی های مرکز و ولایات

(بقیه صفحه ۴)
جنون شهرت

عرق از پیشانی لبت بر روی سینه برهنه اش که بشکل یک تابلوی مضحک نقاشی بنظر میرسید می چکید. مانند پهلوانان بجایش ایستاد و بالحن کا ملا جلی گفت: - بگذارید پولیس آگاه شود. می دانید آقای دایل، بیست و چهار سال از عمرم میگذرد و تا هنوز هیچکس نمی داند زارت ادوارد لبت کیست؟ چکاره هست؟ چه می کند؟ و چه آتشی در سینه دارد؟ چه کسی تا بحال از من چیزی شنیده است؟ هیچکس. و حالا می خواهم خود را برای دیگران معرفی کنم. می خواهم مرا پیشنا سندی، اسم من روی زبانها بیفتد. آقای دایل، چند ساعت بعد، بلی فقط چندساعت بعد من نه تنها معروفتترین جوان امریکا خواهم بود، بلکه آوازه شهرتم بتمام جهان خواهد پیچید!...

رنگ از رخ دایل پریده بود: - اما...

لمبت با تمسخر گفت: - اما ندارد. من باید عجله کنم.

بعد از قتل هفده دختر زیبا، بزودی پانین می آیم و دستان شما را نیز میکشایم تا هر دو ازین شهرت خاص نصیبی ببریم. برو زنامه ها و دفتر تلو یزیون اطلاع میدهم تا زودتر بیایند و راپور داغ شانرا را جمع باین قتل فحیح تکمیل کنند. مطمئن باشید که شما را نیز شریک این شهرت میسازم و به ایشان خواهم گفت که آقای ها مردایل مرا برای کشتن دختران تشویق و حتی مجبور کرده است. آنوقت هر دو مشهور خواهیم شد و اسم مادر تمام نقاط جهان زبان بزبان خواهد گشت. لمبت در ختم گفتارش، و از رد زینه برقی کردید و در وازه آنرا بست.

ریسمان دستان ها مردایل در اثر تلاشهای زیاد، سست شده بود و درین لحظه بایک حرکت شدید، بکلی آزاد شد. در مهمل لفت دستگاهی وجود داشت که اگر دکمه آن فشار داده می شد، زینه برقی در حین صعود، متوقف می گردید. درین وقت زینه برقی نظر بعلا مات برقی، از طبقه دوم بسوی طبقه چهارم در حال حرکت بود.

ها مردایل باخود اندیشید: این دیوانه زنجیری یقینا در طبقه فوقانی عمارت دختران را یکی بی دیگر باآله فولادی که باخود دارد، نابود میسازد. دریک وقت گو تاه، هفده قربانی در اتاقهای متعدد خواهند غلتید و جنایت بزرگی بوقوع خواهد پیوست، جنایت رعب انگیزی که یقینا لمبت را بشیوه ترسناکی مشهور می سازد. دستگاه های تلو یزیون ساعتها و قسمت نشرات خود را وقف لمبت و جنایت فجیع و بی سابقه او خواهند ساخت. روزنامه ها، جراید و مجلات بسا عناوین برجسته و عکسهای متعدد جریان قتل را تشریح خواهند کرد. بلی او باین کار موفق خواهد شد اگر در همین لحظه او، یعنی ها مردایل جریان حرکت زینه برقی را قطع نکند، خون در مغز ها مردایل گس کرده. سخت تحت تلقینات جنون آمیز لمبت رفته بود. وی با خود می گفت: اگر درین ساعت جلو لمبت را بگیرم، چه واقع خواهد شد؟ هیچ! نه حرفی زیادی و نه شهرتی و نه اینهمه هلبله و سرو صدا اما اگر

مردی که در نهر در سن دختری جوان را کشته بود به اعدام محکوم شد

عبدالله که به قتل حبیبه متهم بود در محکمه اول جزای ولایت کابل به اعدام محکوم شد. حبیبه دختر جوان، زیبا و قشنگ بود که با مادر خود زندگی میکرد و در روز عرفه سال گذشته در موقعیکه بسا عبدالله در حصه سینا ز عبدالوکیل خان مواجه شد. عبدالله به او پیشنهاد نمود که با او بیاید و در منزلی که همسرش بعبث خدمه ایفای وظیفه می نماید از یگانه طفلش نگهداری کند و در اخیر هر ماه دوصد افغانی معاش بگیرد. مادر و دختر پیشنهاد او را پذیرفته حبیبه از روز اول عید شروع به کار کرد و در روز بعد عبدالله به حبیبه گفت، با همسرش در دوختن لحاف کمک نماید و نیز شب را در اتاق آنها سپری کند. حبیبه نه پذیرفت زیرا برایش اجازه شب باش داده نشده بود. روز دیگر که حبیبه مصروف نگهداری طفل بود و سینا گل زن عبدالله نیز در داخل منزلی که استخدام شده بود کار میکرد، عبدالله به حبیبه گفت خود را به او تسلیم کند. این را گفته و دست حبیبه را گرفت به سوی خود کشید. حبیبه بنای مخالفت و مناقشه را گذاشت و ولی هر قدر تلاش نمود، موثر واقع نشد و عبدالله باز در عمل نامشروع را با او انجام داد. بعد برای اینکه این جنایت افشا نگردد، عبدالله بفکر جنایتی دیگر افتاد و تصمیم به قتل دختر جوان گرفت در همان لحظه جاقو را از جیب خود کشیده در موقعیکه حبیبه هنوز از زمین برنه خاسته بود به گردنش حواله کرد شراین کردن دختر قطع گردیده چند دقیقه جان داد. عبدالله به تصور اینکه می تواند جرم قتل را بپوشاند لکه های خون را که از در و دیوار

لمبت بقتل هفده موجود بیگناه موفق گرد، من نیز مانند او بشهرت خواهم رسید. ها مردایل با چشمها نیکه در آن آثار ترس و وحشت و در عین حال هیجان دیده می شد، بسوی علاماتی که درجه صعود زینه برقی را نشان می داد، نظری افکنده، بدون هر گونه عکس العمل بر گشت و دو باره به چوکی خود نشست و در لحظه که می خواست ریسمان را مجدداً بیاز و آن خود بیچید، در وازه شیشه ای هوئل بشدت نواخته شد. ها مردایل بدون اراده برخواست و بعجله در وازه را گشود، چهار زنگر پولیس مسلح وارد شده. در حالیکه دو زنگر بسرعت برق از زینه ها بالا میشدند، دوی دیگر ها مردایل را تحت استنطاق گرفتند. بالاخره پولیس پارچه را که زنگ آسمانی داشت به ها مردایل نموده، گفت: این پارچه را حین تفحص قریب در وازه هوئل بدست آوردم. او دیوانه خطرناکی هست. خدا را شکر که قبل از وقوع حادثه ای پیدا ییش کردیم! لمبت در ساعات اول امشب از شفاخانه عقلی فرار کرده است.

تراش نموده فرش را شست و سپس جسد حبیبه را از حصه کمر شکست و در میان یک پکس کاغذی انداخته در اتاق متروکی در حویلی دیگر صاحب همان منزل واقع نهر در سن برده در زیر جویها پنهان کرد. وقتی شب فرا رسید و حبیبه به خانه برنگشت اندیشه و سودا بر مادرش طاری گشت از همین سبب صبح وقت به سراغ حبیبه به خانه که عبدالله و همسرش گار می نمودند آمده تا حبیبه را باخود ببرد. عبدالله بهانه جویی میکرد ولی چار روز زفته و عنقریب بر می گردد. دوسه روز گذشت و از حبیبه اثری معلوم نشد. بالاخره مادر حبیبه از موضوع به پولیس خبر داد. عبدالله احضار گردید ولی باز هم بهانه جویی میکرد ولی چار روز بعد به قتل حبیبه اعتراف کرد و حاضر شد جسد متعفن او را به پولیس بسپارد.

متهم در جلسه علنی محکمه جزای اول که در روز دایر شده بود در حالیکه بناغلی ممنون رئیس محکمه، عبدالمنان عطا زاده و عضو دیگر آن محکمه سید کریم یوسفی خازنوال بریکوت و محمد ایوب امر آمر شعبه قتل و جرح ولایت کابل حاضر بودند، از کشتن حبیبه انکار نمود و گفت، او قطعاً به چنین عملی دست نزده، لذا اقرار نیز از او نیست. (اقرار او درین مورد نزد قاضی ذوالحکم صورت گرفته درج و تلیقه شرعی شده است).

خازنوال اظهار داشت که مطابق به فقه انکار بعد از اقرار، اقرار شمرده میشود چون عبدالله قبلاً هم در مورد زناوهم در باره قتل شرعاً اقرار کرده است لذا انکارش دلیل بی گناهی او محسوب نمی شود. همچنان سینا گل خانم عبدالله بحیث کتمان کننده جرم مسؤل (بقیه صفحه ۲)

مشکل عمده افغانستان

بامراعات مسایل فوق که بعضی اساسات سیستم جدید اداری را تشکیل میدهد قسمت اعظم مشکلات اداری حل وراه برای کار و ترقی کشور باز خواهد گردید. در آنصورت قوه وقت شعب اداری عوض اینکه بمجالس وحواله مسؤلیت از یک شعبه به شعبه دیگر سپری شود هر یک ملتفت هدف اصلی بوده یعنی برای نیل به آن با یکدیگر معاونت خواهند کرد. همچنان یکی از راه های خیلی مؤثر برای مسؤل ساختن ادارات در اجرای کارهای شائ، کنجکاوای روز نامه ها، جراید اداری در باره مسایل میباشد تا از یکطرف مامورین مسؤل تشویق و ملتفت شوند که مردم متوجه اجرای فعالیت و «هیروسیزم» آنهاند و از جانب دیگر مسؤلیت خود زاد رک نمایند. البته همه این اصلاحات مربوط به توجه عمیق تر به بلند رفتن سطح زندگی مامورین و اداره نرخبهای بازار خواهد بود و اینها به نوبه خود به مایه مترقی و تولید بیشتر مربوط میباشد.

در سینما آریوب ننداری بهترین فلم هندی در ساون بهادون

فلم ساون بها دون دا ستان یک جوان را که بطور تحت ساز یک زن مکار قرار گرفته و به قتل میرسد بیان میکند. مرا سم سو گواری جوان مقتول بر گزار میشود بعداً همین جوان به فامیل بر میگردد سوال درینجاست که این جوان کیست؟ جواب این سوال عجیب را در عالی ترین فلم برازنده رنگه «ساون» که دو هنر مند ممتاز عصر نوین نشچل و دیکها با کمیدی آغا بیشتر بر کیف ساخته میتوا نید سراغ کنید. آریوب ننداری که یگانه سینما ی مورد پسند شما است آرزو است که خاطر خوش این فلم زینا مدت هادر ذهن شما باقی بماند. او قات نما یش ساعت ۵،۲ و ۸ ونیم شب. تکت هر سه نمایش بعد از ساعت: وازده ونیم ظهر در غرفه بفروش میرسد.

نوت: سینما آریوب ننداری از تماشاچیان گرا ارزو دارد که از بازار سیاه تکت خریداری نکرده و قسمت با ما همکاری نمایند.

در سینما فرخی ننداری گوا

اوقات نمایش ساعت ۲، ۵، و ۹ شب. تکت های هر سه تایم را بعد از ساعت یک بجای در غرفه های دستیاب نمایند.

نمایشگاه عکاسی موفقیت ها

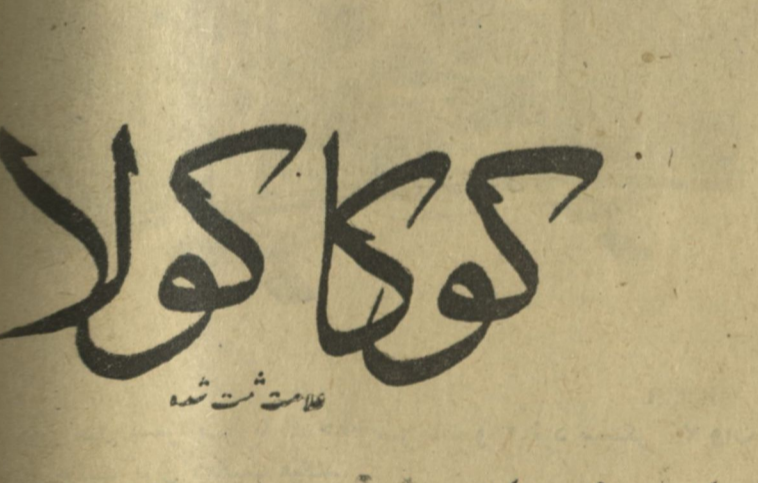
ساخته مان سو سیالستی چین

سراز ۱۴ الی ۱۹ میزان همه روزه از ساعت ۹ تا ۵ بعد از ظهر در سالون بناروالی کابل افتتاح گرد و ورود علاقمندان آزاد است.

مراسم افتتاحیه آن ۱۳ میزان بعد از ظهر برگزار میشود

مطبوعه دولتی

برای لذت بیشتر زندگی



کوکاکولای گوارا خستگی کار روزانه شمارا رفع میکند

همیشه کوکاکولار اسرد سرد بنوشید



شرکت بینهای کام - صاحب امتیاز بر کردن بوظل در افغانستان کوکاکولا و فانتا علامت ثبت شده شرکت کوکاکولا است

قیمت در کابل فقط ۵ - افغانی

قیمت در کابل فقط ۵ - افغانی

کوکاکولای گوارا خستگی کار روزانه شمارا رفع میکند



قیمت در کابل فقط ۵ - افغانی